

یادداشت

بودجه عمرانی قربانی هزین‌های جاری



سعید عسگرزاده
دیرانجمن سنگ آهن

بعد از تأکید مجدد ستاد چشم‌انداز توسعه هفتم و لایحه بودجه ۱۴۰۲ بر موضوع آمایش، این موضوع مجدد در مدار توجه قرار گرفته است. آمایش سرزمین مطالعه‌ای است که به بررسی مرزیت‌های نسبی مناطق مختلف کشور هر منطقه را ترسیم می‌کند، بنابراین ناگفته پیدا است که آمایش جامع و کامل سرزمین تا چه اندازه در بخش معدن ضروری، اما در سال‌های گذشته متأسفانه اهمیت این موضوع نادیده گرفته شده است. اما برای آغاز انجام موفقیت‌آمیز آمایش سرزمین باید مدلی تعریف شود که همانند آنچه در بند پ ماده ۴۳ قانون برنامه ششم آمده، وضعیت سرمایه‌گذاری‌هایی که قرار است از محل حقوق دولتی معادن برای آمایش سرزمین انجام شود، کاملاً روشن و مشخص شود و به‌این ترتیب، موضوع آمایش سرزمین در کنار اکتشافات سرزمینی به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی قرار گیرد. در این بند تأکید شده است که در آمدهای حاصل از بخش معدن شامل حقوق دولتی، عواید حاصل از ماده (۳۵) قانون رفع موانع تولید، قانات‌پذیر و زرقانی نظام مالی کشور و عواید حاصل از تصرف‌های (۳) و (۳) ماده (۶) قانون معادن و اصلاحات و الحاقات بعدی باید به‌حساب ویزای که بدین منظور نزد خزانه‌داری کل کشور تعیین می‌شود، واریز شود تا در قالب قانون بودجه سنواتی در امور پیش‌بینی شده، به‌صرف برسد و این اعتبار ۱۰۰ درصد تخصیص یافته می‌شود و هرگونه هزینه دیگر مشمول تصرف غیرقانونی در اموال عمومی است بنابراین بند مشابهی باید در برنامه هفتم بیاید و سهم بخش آمایش را از حقوق دولتی دقیقاً مشخص کند و ضمانت‌اجرائی بسیار بالایی داشته باشد تا بتوان منابع مالی موردنیاز برای تهیه سند آمایش سرزمین را فراهم کرد. بعد از فراهم شدن منابع موردنیاز، عملیات اجرایی آمایش سرزمین هم موضوع مهمی است و نیازمند سازگار مشخصی است تا دستورالعمل و روش‌شناسی (متدولوژی) انجام آمایش سرزمین با بیش‌ترین دقت و مطابقت با شرایط ایران مشخص شود. بعد از استخراج این متدولوژی می‌توان مواردی مثل رتبه‌بندی کردن شرکت‌هایی را که در این زمینه توانمند هستند، انجام داد و کار را برای اجرا به آنها سپرد. قاعدتاً سیاست مجموعه‌های راهبر هم در این زمینه بسیار مهم است. مجربانی که انتخاب می‌شوند، باید توانایی راهبری و نظارت بر چنین پروژه‌هایی را داشته باشند و برای اینکه به خطا نروند، باید براساس اصول کلی و برنامه راهبردی آمایش معدنی سرزمین پیش بروند تا برنامه‌های نظارتی هم با توجه به آن دستورالعمل کلان، براساس رویه و متد مشخص شده، پیش برود و زمینه را برای اجرای بهینه طرح‌های عظیم اقتصادی ملی، پیشران و زیرساختی مهیا کند. تأثیر نهایی اجرای این طرح‌ها و پروژه‌ها بر بخش معدن بسیار حائز اهمیت است، زیرا یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات فعلی بخش معدن مربوط به ناکارآمدی یا فقدان زیرساخت‌ها است. معادن عموماً در مناطقی واقع شده که ساختار زمین‌شناسی خاص دارند و بسیاری از معادن کشور ما در مناطق کمتر برخوردار هستند و به‌همین علت هم توسعه زیرساخت می‌تواند به‌صورت جدی هم در رشد مناطق محروم و هم توسعه معادن موثر باشد. متأسفانه هنوز به این حقیقت اذعان کرد که طرح‌های عمرانی در کشور ما تا حدودی بی‌فایده‌اند و باید فکری برای حل این مشکل معضل است. اگر این طرح‌ها را نه‌بند، حرکت چرخ توسعه کشور متوقف می‌شود. مشکل اصلی این حوزه این است که هر وقت دولت با کسر بودجه روبه‌رو می‌شود، آن را از محل بودجه عمرانی جبران می‌کند. تا وقتی این مشکل حل نشود و فکری برای بهبود وضعیت هزینه‌ای در بخش غیرعمرانی و جاری مملکت نشود، هر روز قرار فزاید توسعه دور و دورتر می‌شویم. طرح‌های عمرانی به‌خودی‌خود به‌همه‌جانب‌ها نیستند، بلکه عموماً ایجاد توسعه امروز و فردا کشور به‌شمار می‌روند. بمحض اینکه طرحی کلیدی می‌خورد، مجموعه‌های تولیدی برای تأمین ملرومات آن در داخل کشور فعال می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر قرار است سازه‌ای سنگین برپا شود، بلافاصله کارخانجات تولیدکننده مقاطع فولادی، سیمان و امثال آن ایجاد می‌شود. بنابراین، اگر هدف‌گذاری درست باشد و دقیق تعریف و اجرا شود، زمینه‌ساز توسعه خواهد شد و به‌این ترتیب هم در کوتاه‌مدت تأثیرگذار است و هم در میان‌مدت و بلندمدت.

نگاه

معین الدین سعیدی:

پیشنهادهای اسامی کارت بدون فیلتر به گردشگران خارجی به شرم آرد بود

یک نماینده مجلس درباره اینکه وزیر ارتباطات مطرح کرد است پیشنهادی شده شبیه بر اینکه برای گردشگران خارجی می‌کارت‌های خاص و بدون فیلتر در نظر گرفته شود تا بتوانند از پلنت‌های مهمی که در کشور فیلتر است، استفاده کنند و واکتاف عموماً به این مساله، گفت: البته این هنگامی که بحث اینترنت طیفانی مطرح شده است، مردم نگران آن‌ها خودشان را در حوزه‌های مختلف اعلام کرده‌اند، با این خبر که واکتاف عموماً آن را کاپیتولاسیون اینترنتی مطرح می‌کند متأسفانه تعبیری نزدیک به واقعیت است. معین الدین سعیدی اظهار داشت: چطور می‌شود برای گردشگری که از بیرون می‌آید کسارت نام بدون فیلتر تعبیه کرد تا بتواند از پلنت‌های فضای اینترنت استفاده کند، اما میلیون‌ها انسانی که از طریق همین پلنت‌ها برای امرای معاش می‌کنند دسترس نداشتند باشد و معیشت‌شان دچار چالش شود. این سخنان و اقدامات فقط و فقط بر حد در زمانه‌ی مردم می‌افزاید و این اتفاق اخیر حتی اگر در حد چکات داری یعنی اینکه خارجی‌ها را نورس‌نامه می‌شود اما متأسفانه این پیشنهاد، درحالی که برای مردم عادی ما این دسترسی‌ها را محدود کرده‌ام و به نوعی می‌توان گفت شرم‌آور است.

۱۸ ماه از دولت گذشته وعده‌های رئیس بر زمین مانده، چرا دولت به اینجا رسیده است، در آینده می‌توانیم شاهد بهبود شرایط باشیم؟

هر دولتی شرایط خاص خود را دارد. در دولت رئیس وقتي حوادث چند دهه قبل

ایجاد شد و دولت‌ها متخصص همراهی خود را با این حوادث اعلام کردند، نباید

نشانه‌های یک دسیسه را نادیده گرفت، البته این استدلال دلیل بر این نیست که سوء

مدیریت‌های تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی را نادیده بگیریم، اما به هر جهت

دولت باید این دور اندیشی را می‌داشت که اتفاقاتی در مسیر خود خواهد داشت. در

یوسف مولایی در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

بهانه برای فعال کردن

مکانیسم ماشه

زیادشده است

از نظر حقوقی به هر بهانه‌ای می‌توان مکانیسم ماشه را فعال کرد

برجام در فاصله کما تا مرگ قرار گرفته است

گزارش‌های منفی آژانس می‌تواند زمینه فعال شدن مکانیسم ماشه را به وجود بیاورد

به نظر می‌رسد برجام دیگر احیانهی شود

برجام به کما رفته اما هنوز نمرده است

آرمان ملی – احسان انصاری: در حالی که وزیر خارجه اسرائیل عنوان می‌کند کشورهای غربی تا ماه سپتامبر مکانیسم ماشه را علیه ایران فعال خواهند کرد وزیر خارجه ایران از پلن‌بی و مسیر جدید ایران سخنی می‌گوید. این اظهارات و اتفاقاتی که در هفته‌های اخیر درباره برجام رخ داده کار را به جایی رسانده که امیدها نسبت به احیای برجام نزد یک به صفر شده است. در چنین شرایطی سوال مهم این است که فعال شدن مکانیسم ماشه نیازمند رویداد حقوقی است و یا به دلایل سیاسی نیز می‌توان این اقدام را انجام داد؟ از سوی دیگر اینکه اگر مکانیسم ماشه علیه ایران فعال شود چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر یوسف مولایی استاد حقوق بین الملل دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

وزیر خارجه اسرائیل مدعی شده که آمریکا و کشورهای اروپایی تا ماه سپتامبر این مکانیسم ماشه را علیه ایران فعال خواهند کرد. اظهارات وزیر خارجه اسرائیل به چه میزان جنبه واقعیت دارد و یا بیشتر یک ادعای سیاسی است؟

از مدت‌ها قبل مشخص بود که یکی از ابزارهای کشورهای اروپایی برای فشار به ایران استفاده از مکانیسم ماشه است. شرایط برجام به صورتی در آمده که به نظر می‌رسد دیگر

همه دولت‌ها شاهد بودیم که موضوعات و چالش‌های مختلفی وجود داشته است اما به‌فراش بزرگان نظام یک تدارک همگی در حوادث اخیر به وجود آمد. در این معنا که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها تلاش کردند از فرمول ترک‌بسی استفاده کنند و آن اقدامات علیه ایران، تأثیرات منفی بر عملکرد دولت داشته است. دولت باید قدرت پیش‌بینی داشت تا زمانی که دچار بحران می‌شود، پلن‌هایی را رو کنند. **مهمین که دولت پیش‌بینی‌های لازم را برای وضعیت بحرانی نکرده بود، نشان از ضعف دولتیست؟**

دولت اعلام کرده اقداماتی که اخیراً در حوزه اقتصادی صورت گرفته در چهار الی پنج ماه آینده جواب خواهد داد. اکنون باید در انتظار باشیم که با گذشت این مدت شرایط چگونه خواهد شد. در عین حال نباید اینگونه باشد چند مدتی به دولت وقت داده شود و باز هم این مدت تمدید شود تا عمر دولت از ظرفیتهای قریب سر برسد. به هر جهت فشار اقتصادی وجود دارد و اجتناب‌ناپذیر است و بخشی از این فشار بین‌المللی است اما بخشی ناشی از سطح تدبیر مدیران است. مدیران باید با تدبیر و دیپلماسی سیاسی تلاش کنند که دیپلماسی اقتصادی را فعال کنند. ضمن اینکه اقتصاد با علم است و نباید علم اقتصاد را نادیده گرفت و باید با فرمولی منطقی جلو رفت.

مگر با اقتصاد دولتی می‌توان شرایط را بهبود داد؟

اقتصاد ایران حدود ۴۳ سال، دولتی است. در اقتصاد دولتی هر اتفاقی منصور است، قرار می‌گیرد. اگر در این ۴۳ سال دولتی در صددی از مالکیت اقتصادی دولت را در اقتصاد می‌کاست و بخشی از اقتصاد به بخش خصوصی و تعاونی‌ها و گذار می‌شد، امروز دچار بحران‌های مختلف نبودیم.

چرا دولت‌ها به سمت بهبود اقتصادی و کاهش سهم خود در اقتصاد پیش‌نمی‌روند؟

دولت‌ها عموماً به بخشی از انرژی خود را بر این مورد می‌گذارند که شرایط روز را مدیریت کند و تدارک‌ها و گذاری بخش‌های اقتصادی به بخش خصوصی و تعاونی‌ها را در نظر می‌گیرند. در این بین هم قمر هستند. باید مشخص هستند، چرا دولت‌ها این چنین متصرفند. دستگانه‌ها نظارتی هم همین طور، این دستگانه‌ها باید بگویند چرا الحراف



دست پیدا کنند. در شرایط کنونی که همه مسیرها برای احیای برجام بسته شده راحت‌ترین کار برای کشورهای اروپایی فعال کردن مکانیسم ماشه علیه ایران است. اینکه وزیر خارجه اسرائیل چنین ادعایی کرده که تا ماه سپتامبر چنین اتفاقی رخ خواهد داد قابل توجهی نیست که چرا این زمان که وی مشخص کرده چنین اتفاقی رخ خواهد داد اما احتمال فعال کردن مکانیسم ماشه توسط کشورهای اروپایی در هر زمان وجود خواهد داشت. در شرایط کنونی پرونده هسته‌ای به بن‌بست رسیده و تنها در شرایطی که اتفاقات جدیدی رخ بدهد و توافق جدید بین ایران و کشورهای اروپایی بسته شود. در توافق جدید نیز شرایط مانند گذشته خواهد بود و برجام از فرم و محتوای قبلی فراتر خواهد رفت.

فعال شدن مکانیسم ماشه نیازمند دلایل و رویداد حقوقی است و یا براساس رویداد سیاسی نیز کشورهای اروپایی می‌توانند این کار را انجام بدهند؟

اگر بخواهیم از نظر حقوقی این موضوع را مورد بررسی قرار بدهیم باید عنوان کرد که از نظر حقوقی به هر بهانه‌ای می‌توان مکانیسم ماشه را فعال کرد. این در حالی است که در شرایط کنونی بهانه‌های زیادی برای این کار وجود دارد. کشورهای اروپایی می‌توانند ادعا کنند ایران تعهدات خود را در برجام نقض کرده است. در چنین شرایطی کشورهای اروپایی می‌توانند مکانیسم ماشه را فعال کنند. از سوی دیگر اگر کشورهای اروپایی به این نتیجه برسند که ایران به تعهدات هسته‌ای خود پایبند نبوده می‌توانند پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع بدهند و در آنجا درباره آن رای گیری خواهد شد که آیا آنچه در درون برجام به سود ایران بوده تداوم پیدا کند یا خیر. اگر یکی از کشورهای عضو برجام مخالف این روند باشند این اتفاق رخ خواهد داد. شرایط نیز مانند گذشته نیست که کشورهای مانند روسیه و چین بتوانند نقش آفرینی کنند و چنین تصمیمی را روتو کنند. در نتیجه وجود یک مخالف می‌تواند باعث شود مکانیسم ماشه از ابتدا تا انتها مسیر خود را طی کند. برای این کار دلیل حقوقی خاصی نیز وجود ندارد. در شرایط کنونی گزارش‌هایی که از اسن بین‌المللی انرژی هسته‌ای در مورد ایران منتشر می‌کند منفی است و عنوان می‌کند ایران در این زمینه همکاری لازم را انجام نمی‌دهد. همین موضوع می‌تواند دستاویزی برای یکی از کشورهای اروپایی باشد تا فعال شدن مکانیسم ماشه را استارت بزنند. براساس آنچه آژانس گزارش می‌کند ایران میزان غنی‌سازی را افزایش داده و ذخیره اورانیوم غنی شده را بیشتر کرده است و اجازه دسترسی به پانه‌ها را از اسن سبایت‌ها را نمی‌دهد. همه این مسائل بهانه است و می‌تواند زمینه فعال شدن مکانیسم ماشه را توسط کشورهای اروپایی به وجود بیاورد. زیاد زمان نیست دلیل ویزای شل بگیرد تا این اتفاق رخ بدهد و بلکه اگر همین روند موجود ادامه پیدا کند فعال شدن مکانیسم ماشه محتمل خواهد بود.

اگر مکانیسم ماشه فعال شود چه اتفاقی رخ خواهد داد و این اتفاق چه پیامدهایی خواهد داشت؟

اگر مکانیسم ماشه فعال شود همه امتیازهایی که براساس برجام و در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ به ایران داده شده از بین می‌رود و به قطعنامه‌های ۱۸۰۳، ۱۸۰۴ و ۱۷۳۹ بازمی‌گردیم. هنگامی که یک کشور در یک توافق بین‌المللی منافع نداشته

باشد تضمینی نیز برای حضور آن کشور وجود ندارد. به همین دلیل باید منافع طرفین قرار داد تأمین شود تا نسبت به دادن تضمین اقدام کنند. در جامعه جهانی هیچ نیروی دولتی وجود ندارد که بالای سر دولت‌ها قرار داشته باشد که بتواند دولت‌ها را تحت فشار قرار بدهد تا تعهدات بین‌المللی خود را انجام بدهند. در دهه‌های گذشته اغلب معاهدات بین‌المللی که منعقد شده به همین صورت بوده و کشورهای مختلف با توجه به چنین شرایطی تعهدات خود را انجام داده‌اند. این ساختار را نمی‌توان تغییر داد و بلکه باید واقعیت را پذیرفت.

در چنین شرایطی وزیر خارجه ایران عنوان کرده که آماده اجرای پلن بی و مسیر جدیدی هستیم. پلن بی ایران چیست و ایران در چه شرایطی به مسیر پلن بی حرکت خواهد کرد؟

بدترین سناریویی که می‌توان برای پلن بی ایران در نظر گرفت سناریوی نظامی خواهد بود. این در حالی است که در چنین شرایطی ترجیحاً همه علیه ایران تشدید خواهد شد و فشارهای سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. با این وجود بدترین سناریو نظامی است که با اهداف تخریب مراکز نظامی و هسته‌ای ایران صورت بگیرد. اتفاق دیگری که می‌تواند رخ بدهد در فضای سایبری خواهد بود که ایران و کشورهای غربی در این فضا با هم چالش داشته باشند. این اتفاقات هر کدام در شرایطی رخ خواهد داد که فشارهای اقتصادی به ایران همچنان وجود خواهد داشت و تشدید خواهد شد. با این وجود فشارهای نظامی و بین‌المللی فراتر از فشارهای اقتصادی خواهد بود.

با توجه به شرایط موجود احتمال احیای برجام از بین رفته است؟

در شرایط کنونی برجام در حالت کما قرار دارد. این در حالی است که دوران کما برجام نیز طولانی شده است. این وضعیت مانند وضعیت مرئی است که در حالت کما قرار دارد هنوز زنده است و نمرده است. این وضعیت نیز برای برجام نیز وجود دارد و برجام هنوز نمرده است. می‌توان عنوان کرد برجام در فاصله کما تا مرگ قرار گرفته است. در چنین شرایطی ایران باید خلاقیت‌هایی از خود بروز بدهد و ظرفیتهای غربی را تشویق به مذاکره کند تا شرایط برای احیای برجام ایجاد شود. این رویکرد نیز مستلزم داشتن اعتلااف و ادب امتیاز طرف ایران است. این در حالی است که ایران حاضر نیست به راحتی به طرف مقابل شرایط بدهد. در ماه‌های گذشته که مذاکرات در جریان بود شرایط برای این توافق وجود آمده بود که ایران این شرایط را نپذیرفت و به دنبال امتیاز بیشتری بود. این در حالی است که اگر ایران بخواهد دوباره شرایط گذشته را بپذیرد به راحتی نمی‌تواند افکار عمومی جامعه را درباره اینکه چرا در همان زمان این تصمیم را ننگرفته افغان کند و در این زمینه کار سختی پیش‌رو دارد. اینکه دولت رئیسی

بخواهد از مواضع قبلی خود عقب نشینی کند دشوار شده است. در پایان دولت حسن روحانی شرایط برای احیای برجام فراهم بود و طرفین در شرایطی قرار داشتند که برجام احیا شود. با این وجود به دلایل نامشخص این اتفاق رخ نداد و قرار شد اگر قرار است برجام احیا شود این اتفاق در دولت ابراهیم رئیسی رخ بدهد که تاکنون رخ نداده است. امروز اگر دولت رئیسی بخواهد برجام احیا شود باید شرایط جدید غرب را امعاً از شرایطی که غرب برای فعالیت موشکی ایران در نظر دارد و محدودیت‌های فعالیت سپاه پاسداران را بپذیرد و از سوی دیگر نظارت بازرسان آژانس بر مراکز هسته‌ای ایران در حد پروتکل الحاقی و شاید بیشتر را نیز بپذیرد. از سوی دیگر پول‌های بلو که شده ایران را نیز به صورت قطره چکانی آزاد خواهند کرد. در نتیجه شرایط بسیار سخت خواهد بود. به دلیل اینکه شرایط ثابت است این احتمال وجود دارد که ایران این شرایط را نپذیرد. این در حالی است که در گذشته که شرایط به مراتب بهتر از امروز بود ایران این شرایط را نپذیرفت و به همین دلیل امروز با چالش‌های بیشتری مواجه خواهد بود. اگر این شرایط جدید غرب را بپذیرد از نظر سیاسی و اقتصادی به این معناست که با چالش‌ها و معضله‌های زیادی مواجه است. در چنین شرایطی طبیعی است که کشورهای غربی به دنبال سوءاستفاده از این وضعیت و زیاده خواهی حرکت کنند.

آمریکا با اینکه عنوان می‌کند برجام دیگر در دستور کار نیست اما مذاکرات غیر مستقیم خود را با ایران ادامه می‌دهد. دلیل این موضوع چیست؟

دلیل اصلی غیر مستقیم ایران و آمریکا در حوزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد و تنها درباره برجام نیست. بخشی از این مذاکرات درباره تبادل زندانیان است که آمریکا باقی‌مانده است و این اتفاق رخ بدهد. برجام در وضعیت کما قرار دارد. آمریکا نیز این موضوع را تأیید کرده و عنوان می‌کند در اولویت ما نیست. با این وجود آمریکا به هرگز عاودت نخواهد کرد و شرایط اقتصادی به ایران همچنان وجود دارد و برجام مرده و به پایان رسیده است. آخرین پیش‌بینی‌های رشد جهانی در ۲۳ تریلیون دلار بود در حالی که این رقم برای ایالات می‌لادی ۳.۲۷ تریلیون دلار بوده است. آخرین پیش‌بینی‌های رشد جهانی در ۲۰۲۴ میلادی رشد اقتصادی ایران توسط صندوق بین‌المللی پول برآی سال ۵ درصدی پیش‌بینی شده. طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول تولید ناخالص داخلی به عنوان مهم یک کشور از تولید ناخالص داخلی چین در ۲۰۲۵ برای ۱۰.۱۹ درصد در مقایسه با ۷.۱۴ درصد برای ایالات متحده خواهد بود. در چنین شرایطی «شی چینگ» رئیس جمهور چین در ماه سپتامبر در بیانیه‌ای اعلام کرد که روابط معش‌شان با یکی می‌تواند همکاری با ایالات متحده باشد. استراتژیک و شریک امنیتی اصلی شان را در راستای منافع ملی کشور باشد.

زور از مایه‌هایی که در عرصه بین‌المللی وجود دارد و زمینه را برای شکرگیری فرایندهای حقوقی به وجود می‌آورد. به همین دلیل ایران باید در زمینه قدرت نرم و قدرت سخت وضعیت خود را بهبود بخشد تا بتواند به اهداف خود در مجامع بین‌المللی دست پیدا کند. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که در حاکمیت و رضامندی مردم می‌کند، در عرصه بین‌المللی چانه‌زنی بهتر انجام دهد و در نهایت بهتر می‌تواند این منافع خود را به دست بیاورد. آنچه برای ایران اهمیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز در گرو رضامندی مردم است. هر چه رضامندی مردم نسبت به حاکمیت افزایش